

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء
استاد محمد نسیم "اسیر"
تنظیم و ویرایش: پورتال

راه ناپیدا

ای خوش آن شبها که همراه تو در مهتابها
بی قـــــرار یها کنیم و کشتی شوق افکنیم
از می و جام و صراحی و دف و چنگ و سرود
یا تو بنشینی و من، برخـــــاسته، پاروزنان
یا تو برخیز و من بنشسته، اندر پای تو
یا تو بکشائی نظر بر صفحه خاموش آب
یا تو بر بندی کمر، بر عزم مستی و سرور
از خـــــلال موج موبیت، پرتو سیمین ماه
با ســـــر گیسوی تو بازیکنان از تار دل
سجده ها بر طـــــاق ابرویت کنم از شوقها
تابها بر کـــــاکلت افتاده باشد سربس
آنقدر افسانه ها گـــــویم به گوشت از جنون
تو به خواب اندر شوی و من ز خود بیرون روم
بسپریم راهی که ناپیداست انجامش به چشم

در دل دریاچه ای آرام، چون سیمابها
همچو نیکیها، به صد امید در گردابها
دسته ها گیریم با خود، این چنین اسبابها
بیشتر رانـــــم، به تو گویم ز الفت بابها
جامها بر سر بیـــــارم، از شراب نابها
یا من آهنگ حـــــزینی سر کنم با آبها
یا من از مستی کـــــنم در گوش تو آلابها
سیمگـــــون افتد به روی موجهای آبها
نغمه ها سازم برون با ناخـــــن مضرابها
همچو شیخ معتکف در گوشه محرابها
من خـــــورم پیشت چو مرغ کشته پیچ و تابها
تا بـــــرد آخر ترا بر زانـــــوی من خوابها
تا بـــــرد ما را چنیـــــن، از بیخودیا آبها
عشقها ورزیم در این ورطه نایابها

زندگی گـــــردابها دارد «اسیر»، ار ساعتی
وارهیم از این همه گـــــردابها، سیلابها

(م. نسیم «اسیر» - کابل عزیز، ۱۷ قوس ۱۳۳۷ ش)